

حجت الاسلام مجتهدزاده معروف به «شیخ قمی» از ظرفیت‌های تبلیغی سیدالشهدا ﷺ در عرصه بین‌المللی می‌گوید

جاذبه حسینی برای مخاطب جهانی

۲

اردوی جامع جهادی بنیاد کرامت رضوی در حاشیه شهر مشهد برگزار شد

زیر سایه امام رئوف علیه السلام

اردوی جامع جهادی بنیاد کرامت رضوی به مدت دو روز ویژه ساکنان منطقه طرق مشهد در زائرشهر رضوی برگزار شد.به گزارش آستان‌نیوز، این اردوی جهادی با هماهنگی و همکاری نهادهای زیرمجموعه بنیاد کرامت رضوی و خدمت‌رسانی جمعی از خادمایان رضوی و جهادگران در محوهای درمانی، ورزشی، فرهنگی، خانوادگی و معیشتی در زائرشهر رضوی برپا شد. از مهم‌ترین بخش‌های این اردوی جهادی، اجرای طرح «نذر شفا» ویژه اقشار کم‌برخوردار حاشیه شهر بود که در فاصله دو روز خدمت‌رسانی جمع ۳۰ نفره پزشکان عمومی و متخصص، پرستاران ...

علا روضا مهرزاده - عکس رضوی



چگونه ۳۲۵ سال پیش، فرزند فرمانروای هند خادم حرم رضوی شد؟

عرض ارادت با ۱۴۰ چراغ بلور

■ **سلطان اکبر و خدمت در حریم حرم**

سلطان اکبر پیش از بازگشت به طُرق، از میان رواق دارالسیاده، قدیمی‌ترین رواق حرم مطهر گذشت و چون به نظرش، نور آنجا کافی نبود، تصمیم گرفت برای افزایش نور در این مکان و راحتی حال زائران، هدیه‌ای تقدیم کند. صبح روز بعد، یعنی روز عید قربان؛ محمدسلیم بیگ فراشباشی، نماینده دربار صفوی به همراه متولی‌باشی آستان قدس، فرماندار نظامی مشهد، کلانتر شهر و تعدادی از مقامات به استقبال سلطان‌اکبر آمدند و او را با نهایت احترام به مشهد دعوت کردند. وی پس از ورود به مشهد، چنان که رسم بود در دارالضیافه مستقر شد و مورد پذیرایی قرار گرفت. در همان جا بود که به مباشر خود دستور داد ۱۴۰ چراغ بلورین از بازار خریداری و به عنوان هدیه تقدیم آستان قدس کند. این کار تا غروب همان روز به انجام رسید. سلطان‌اکبر

سلطان‌اکبر برونند، اما او ترجیح داد روز عرفه و شب عید را در تنهایی بگذرانند. نزدیک ظهر عرفه بود که سلطان‌اکبر برخاست و با تنی چند از همراهانش به سمت مشهد حرکت کرد. هیچ کس نمی‌دانست که این شتاب‌زدگی و ورود به مشهد با لباس میڈل برای چیست؟ نقل است که او پس از ورود، یک سر به حرم مطهر مشرف شد و در گوشه‌ای از روضه منوره نشست و به تلخی گریست. از امام رضا(ع) خواست او را در این سختی و رنج دوری از زادگاه و خانواده یاری کند. همراهان از او پرسیدند این اعمال و دعاها را می‌توانستید فردا و هنگام ورود رسمی انجام دهید؛ چرا امروز خود را خسته کردید و این همه راه آمدید؟ سلطان‌اکبر پاسخ داده بود: آیا رواست که پس از سال‌ها دوری، به مراد خود برسی و برای دیدار و عرض ارادت به آستان وی درنگ کنی؟ سلطان‌اکبر که سخت تحت تأثیر فضای



از آنجا که تبار مادری سلطان‌اکبر و خواهرش به دودمان صفوی می‌رسید، آن‌ها گرایش‌های شیعی و علاقه‌بسیاری به ائمه معصومین(ع) به ویژه حضرت ثامن‌الحجج(ع) داشتند. به همین دلیل، نذوراتی را از طریق افراد معتمد برای آستان قدس ارسال می‌کردند تا صرف‌امور روزمره و نیز رسیدگی به کارهای زائران و مجاوران نیازمند شود.

شخصاً وارد دارالسیاده شد و در نصب کردن چراغ‌ها مشارکت کرد. او تا سال ۱۰۸۵ش یعنی ۱۰ سال بعد، در مشهدالرضا(ع) زندگی کرد و بیشتر اوقات خود را به خدمت و عبادت در حرم مطهر یا رسیدگی به امور زائران و مجاوران نیازمند می‌گذراند. سلطان‌اکبر در ۱۱ فروردین سال ۱۰۸۵، در ۴۸ سالگی دار فانی را وداع گفت و در رواق دارالسیاده به خاک سپرده شد.

معنوی روضه منوره قرار گرفته بود، تصمیم گرفت در کنار هدیه خواهرش زیب‌النساء به آستان قدس که قندیلی از جنس طلا به وزن ۱۴ کیلوگرم و نیز نذر خود وی که چیزی در حدود ۱۳ کیلوگرم مُشک ناب برای معطر کردن حرم مطهر بود، هدیه‌ای دیگر به آستان تقدیم و به امام هشتم(ع) عرض ارادت‌ی دیگر نیز داشته باشد.

■ **محمدحسین نیکبخت**

پیش‌تر درباره «خیرات خان» که از هند به مشهد مقدس آمد نوشته‌ایم. اما به غیر از او، کم نبوده‌اند شیعیانی که از هند به شوق زیارت حرم رضوی، خود را به مشهد رساندند و نه فقط زائر که مجاور حرم مطهر امام رضا(ع) هم شدند. در میان آن‌ها احتمالاً «سلطان محمداکبر» فرزند اورنگ‌زیب، پادشاه مقتدر دودمان گورکانی هندوستان، از همه مهم‌تر و معروف‌تر باشد.

■ **شیرین‌ترین تبعید**

سلطان‌اکبر در شهریورماه ۱۰۳۶ در اورنگ‌آباد، جایی در نیمه غربی هندوستان به دنیا آمد. مادرش را هنگام تولد از دست داد و نزد خواهرش «زیب‌النساء بیگم» بزرگ شد؛ بانویی بسیار هنرمند که در ۷سالگی حافظ قرآن بود. از آنجا که تبار مادری سلطان‌اکبر و خواهرش به دودمان صفوی می‌رسید، آن‌ها گرایش‌های شیعی و علاقه بسیاری به ائمه معصومین(ع) به ویژه حضرت ثامن‌الحجج(ع) داشتند. به همین دلیل، نذوراتی را از طریق افراد معتمد برای آستان قدس ارسال می‌کردند تا صرف امور روزمره و نیز رسیدگی به کارهای زائران و مجاوران نیازمند شود. این وضعیت ادامه داشت تا آنکه سلطان‌اکبر به سن ۳۸سالگی رسید و در جریان یک رقابت سیاسی، متهم به کودتا علیه پدرش، اورنگ‌زیب شد. طبق دستور فرمانروای هند، باید سلطان‌اکبر را اعدام می‌کردند، اما با پادرمیانی زیب‌النسابیگم، اورنگ‌زیب از سر تقصیر پسر گذشت و تنها او را به تبعید محکوم کرد و سلطان‌اکبر هم مشهد را به عنوان مقصد خود، بیرون از هندوستان برگزید. درباره‌خداحافظی پایانی وی با خواهرش، روایت‌ها و داستان‌های غم‌انگیزی نقل کرده‌اند. هر چه بود، سلطان‌اکبر از هند خارج شد و راه مشهد را پیش گرفت. دربار هند با دربار صفوی برای پذیرش سلطان‌اکبر مکاتبه و مقدمات ورود وی به مشهد را فراهم کرده بود.

■ **ورود مخفیانه به حرم مطهر**

سلطان‌اکبر راه طولانی هند تا مشهدالرضا(ع) را طی کرد و در روز ۲۰ تیر ۱۰۷۵، مصادف با روز عرفه وارد طُرق شد. برخی از روزگان مشهد و آستان قدس قصد داشتند همان روز به استقبال



ویژه‌فرهنگ و معارف رضوی

| سال دوم | ویژه‌نامه ۲۹۱ |



آیت‌الله کعبی در گفت‌وگو با Khamenei.ir مطرح کرد

جاهلیت مدرن

جاهلیت علم

منهای ایمان است

۳

یادداشت / حمزه واقعی

شیعه حسینیم آیا؟

ویژه‌برنامه‌های حرم مطهر رضوی

در اعیاد شعبانیه

در بیمارستان رضوی انجام شد

جراحی منحصر به فرد

نوزاد ۶ روزه

۴

موعظه/ آیت‌الله محمدعلی جاودان

اثرات زیارتی که با شناخت

امام حسین علیه السلام باشد

۲

هیئت

واکنش مداح معروف به ماجرای ببری که

در «هیئت‌الرضا» نصب شده بود

انگار نه انگار در یمن هم زنان و کودکان را می‌کشند



در اقدامی جالب، «هیئت‌الرضا» با محوریت عبدالرضا هلالی در طراحی فضای مجلس خود از پرچم‌های دو کشور اوکراین و یمن استفاده کرده است؛ دو کشوری که این روزها درگیر جنگ و بحران‌اند.

در همین راستا رضا هلالی گفت: اگر به پشت سرم به پرچم دقت کنیم خیلی چیزها متوجه می‌شویم. انگار نه انگار خیلی سال‌ها در یمن زنان و کودکان را می‌کشند. در این عرصه می‌توانید استکبار و تأثیرش را مشاهده کنید. حتی در ایران ما نیز در ذهن برخی مردم نفوذ کردند. ما همیشه مخالف جنگیم و می‌گوییم که بد است. اما اینکه این چنین تفاوت باشد برای مردم دنیا نشانه خوبی نیست اگر جنگ است مردم یمن نیز سال‌ها درگیر آن هستند. آن‌ها را می‌کشند ولی هیچ کس صدایش در نمی‌آید. این است که ظالم خطوط ذهنی را تعیین می‌کند. ما همه با جنگ در هر کجای دنیا مخالفیم چه در یمن و چه در اوکراین.

وی ادامه داد: با این تبعیضی که میان مردمان دنیا قائل می‌شوند مشکل داریم. نظام استکبار به راحتی اهداف خودش را تحمیل و ذهن‌های ما را در بازی‌های رسانه‌ای مشغول می‌کند. ما باید هوشیار باشیم. امام حسین(ع) این نکته را به ما یاد داد و فرمود: اگر دین ندارید لاقال آزاده باشید. و این جمله امام(ع) باید همیشه در پامان باشد.

نیمکت زنده‌گی



این

اسفندهای ولرم

رقیه توسلی | توی صف عابریانکم که

زن و شوهری سَر می‌رسند و جاگیر شده نشده صدای مرد می‌پیچد؛ وای من! آذین! صد و هفتاد مونده از سه تومانی که صبح ریختم به کارت... نوبتم می‌شود. اما دستگاه، کارتم را می‌گیرد و پس نمی‌دهد. انگار بابت انقضای زمانی، قورتش داده. می‌دانم باید بروم بانک اما راه می‌افتم سمت داروخانه. وقت ندارم و تعویض کارت می‌ماند برای بعد. به موجودی آن یکی کارتم فکر می‌کنم که آیا کفاف می‌دهد؟ چون باید قرصی که تا چند مدت پیش با دفترچه می‌گرفتم را

حالا آزاد بخرم. توی مسیر نگاهم به آدم‌ها و دستفروش‌ها و کاسبی مغازه‌داران و ولرمی بازار اسفند است. مثل قبل نیست. راستش دلم می‌گیرد. یاد اسفندهای خیلی قبل می‌افتم. یاد حال خوب. بوی سبزی‌پلو با ماهی مادربرزگم. باغچه‌ای که وسعم می‌رسید و اسفندهای قدیم حتماً با چند جعبه گل می‌فتم سراغش. نذری‌پزون همسایه‌ها. مراسم شلوغ ازدواج. خنده‌های کشدار چفت هم. داشتن اسکناس‌هایی که می‌دانستی دلت می‌شود به آن‌ها خوش باشد. معاشرت بی‌ماسک. یاد پدرم که

عاشقانه خیابان‌ها را این وقت سال زیر پا می‌گذاشتیم با هم. یاد نونوار کردن زندگی و رونق بازار سمسارها. یاد ذوق و شوق این ماه که یکی دو تا نبود. یاد مسافرت‌هایی که می‌شد رفت. خنده‌های شیرین. نه مثل حالا که توی گوشیات هی اخبار جنگ و کرونا و بی‌پولی و خودکشی و مهاجرت تازه می‌شوند. می‌رسم به داروخانه. شلوغ است. کش ماسکم پاره می‌شود. همان طور که توی کیفم دنبال تازه‌اش می‌گردم غرولند می‌کنم؛ دلم لک زده برای دیدن دختردایی‌ها، این

چندمین سال شده که دوریم از هم؟ کو مادربرزگ مهربان میهمان‌نوازم؟ پول قزل‌آلای فلان تومانی و برنج بیسان تومانی کجا بود؟ تا کی ماسک؟ یک گلدان پیژوری واقعاً هُشتاد؟ چرا باید دارویم از لیست بیمه خارج شود؟ هر چه سنجد می‌خرم طعم سنجده‌ای تو را نمی‌دهد بابا! مغازه‌دارهای این راسته چرا اینقد مگس می‌پراندند؟

پی‌نوشت

امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند:

بزرگ‌ترین بلاها بریدن امید است.

منبرمجازی

محبت، محبت می‌آورد



حجت‌الاسلام شهاب مرادی |آقایان! هوای خانم‌ها را داشته باشید. خانم‌ها، مادران، پدران هوای دختران خود را داشته باشید. دختران نیاز به حمایت عاطفی خانواده دارند. مهربانی در حق فرزندان کم است. ما نیاز به مهربانی داریم. مهربانی نیاز فوری و اساسی جامعه ماست. بسیاری از فرزندان تجربه محبت والدین را ندارند و این در حالی است که یتیم نیستند. پدر و مادرائی هستند که بوسیدن، نوازش کردن و در آغوش گرفتن فرزند را بلد نیستند. در یک جمع دانشگاهی از دختر خانم‌ها این نوع سوآلات پرسیده شد که کمتر از ۵درصد گفتند که پدر ما، نسبت به ما مهوروزی می‌کند.

ای پدر و مادر! شما بیشتر از آنکه بخواهید مربی و معلم فرزندان باشید که نمره خوب بگیرد، پدر و مادرش هستید... فرزندان خود را بوسید... بگویید که دوستشان دارید. بگو هر طوری که هستی و بشوی دوست دارم. اگر پدر و مادر به فرزند محبت کند، در اصل در جامعه تولید محبت کرده است و از خیلی دعواها، خشونت‌ها و بزه‌ها در سطح جامعه جلوگیری کرده است.

ما با این کم‌محبتی‌ها، خشونت را در سطح جامعه دست به دست می‌کنیم. چرا به یکدیگر محبت نکنیم تا محبت در سطح جامعه دست به دست شود؟

مادر! بچه شما کلاس چهارم ابتدایی است، درس نمی‌خواند، او را بیوس و بگو اصلاً درست خوب نیست، خودت را دوست دارم. اما می‌بینیم برخی‌ها فقط می‌گویند باید درس بخوانی! خب اگر فرزند را به یتیم‌خانه‌ای در لندن - که ملو از بی‌رحمی است - هم می‌دادند او هم همین طور تربیت می‌کرد. در خیلی از فیلم و سریال‌هایشان این را دیده‌ایم. آن‌ها که امام رضا(ع) ندارند و دین مروج مهربانی ندارند و همه چیزشان پوند و دلار و پول است، فقط به بچه می‌گویند درس بخوان و مهر و محبتی هم در کار نیست.

پدر! تو پیش از آنکه مربی فرزندت باشی که فرزندت نمره خوبی بگیرد، اول پدرش هستی. ای مادر! بچه‌ات را بیوس. به بچه‌ها بگویید هر طور هستید دوست دارم، آیا پدرها و مادرها در جامعه ما این‌طوری هستند؟ خیر... این می‌شود که زندان‌های ما امروز جا ندارند. وزیر دادگستری سابق می‌گفت برخی از زندانی‌ها در نمازخانه به صورت شیفتی می‌خوانند. چون جا برای خوابیدن نداریم. ای پدر و مادر! اگر به بچه محبت بدهی، فرزندت محبت تولید می‌کند.